

چهار اثر
از
فلورانس اسکاویل شین

ترجمه گیتی خوشدل

چاپ شصتم

نشر پیکان

تهران ، ۱۳۸۶

فهرست

ه	درباره نویسنده
یازده	پیشگفتار

۱ ناری زندگی و راه این بازی

۳	ناری
۱۲	قانون توانگری
۲۰	نمود کلام
۲۸	قانون عدم مقاومت
۳۸	قانون کارما و قانون بحشایش
۴۸	سپردن نار (تأثیر بر دهن بیمه‌هشیار)
۵۷	عشق
۶۸	شهود یا هدایت
۷۹	بیان کامل نفس یا طرح الهی
۹۰	تکذیبا و تأکیدها
۹۹	تکذیبا و تأکیدها

۲ کلام تو عصای معجزه‌گر تو است

۱۰۵	کلام تو عصای معجزه‌گر تو است
۱۰۸	کلامی

بازی

بیشتر مردم زندگی را پیکار می‌انگارند اما زندگی پیکار نیست، بازی است

هرچند بدون آگاهی از قانون معیبت نمی‌توان در این بازی برنده شد و پیروز بود، و عهد عتیق و عهد جدید، با وصوحی شگفت‌انگیز قواعد این بازی را بیان می‌کند عیسی مسیح آموخت که زندگی، بازی بزرگ دادوستد است

ریرا آنچه آدمی نکارد همان را درو خواهد کرد یعنی هر آنچه از آدمی در سحر یا عمل آشکار شود یا برور کند به خود او نار خواهد گشت، و هرچه ندهد نار خواهد گرفت

اگر بهرت بوررد، بهرت به او نار خواهد آمد و اگر عشق سحشد، عشق خواهد ستاند اگر انتقاد کند، از او انتقاد خواهد شد اگر دروغ بگوید به او دروغ خواهد گشت و اگر تقلب کند به او حقه خواهد رد همچین به ما آموخته‌اند که قوه تحیل در بازی زندگی نقشی عمده دارد

«دل (یا خیال) خود را به تمامی نگاه دار ریرا سرچشمه حیات از آن

است» (امثال ۴ ۲۳)

سراپا سیاه می پوشید و توری بلند و سیاه بر سر می بهاد اطرافایش تصور می کردند که بسیار باهوش و نامک است تا اینکه کودک بزرگ شد و با مردی عروسی کرد که ار حان و دل دوستش می داشت اما چندی نگذشت که شوهرش مُرد ورن سالیان سال لباس سیاه به تن کرد و تور سیاه بر سر گذاشت تصویر خودش به صورت یک «نیوه‌رن» بر دهن نیمه‌هشیارش اثر گذاشته بود و به رعم مصیبت خاکاهی که به نار آورد، به وقت خود به عیبت درآمد

دهن هشیار را دهن نفسانی یا فانی خوانده‌اند

دهن هشیار، دهن بشری است و رنگی را به همان شکلی که به نظر می‌رسد می‌بید دهن هشیار، مرگ و بلا و بیماری و فقر و تنگنارا مشاهده می‌کند و بر دهن نیمه‌هشیار اثر می‌گذارد

هشیاری برتر یعنی آن دهن الهی که درون هر انسان است، و قلمرو آرمانهای عالی و عرصه طرح الهی ریرا هر انسانی صاحب طرحی الهی است که افلاطون آن را «الگوی کامل»^۱ خوانده است

حایی هست که حر تو هیچ کس نمی‌تواند آن را پُر کند کاری هست
که حر تو هیچ کس قادر به احماش بیست

این طرح در هشیاری برتر انسان دارای تصویری است در نهایت کمال که معمولاً به صورت آرمانی دست‌نیافتنی یا آرزویی چنان رؤیایی که محال است برآورده شود، در دهن هشیار حلوه می‌کند همانا این تقدیر (یا عایت) راستین آدمی است که از جانب خرد

هر آنچه آدمی در خیال خود تصویر کند - دیر یا رود - در رنگیش نمایان می‌شود مردی را می‌شناسم که از مرصی معین که بسیار نادر بود می‌ترسید اما آن قدر به آن مرص اندیشید و درباره‌اش مطالعه کرد که آن بیماری آشکارا ندش را فراگرفت و مُرد در واقع، قربانی خیالپردازی خود شد

برای پیروزی در ناری رنگی باید نیروی خیالمان را آموزش دهیم کسی که به قوه تحیل خود آموخته باشد که تنها یکی را تصویر کند و ببید، خواهد توانست به همه مرادهای بحق دلش - حواه سلامت و حواه ثروت و حواه محبت و حواه دوستی و حواه بیان کامل نفس^۱، و یا هر آرمان بزرگ دیگر - برسد

تحیل را قیچی دهن خوانده‌اند این قیچی شانه‌رور در حال تُریدن تصاویر است آدمی در دهن خود تصاویری می‌بید - و دیر یا رود - در دیسای پیرون با آفریده‌های دهش رویارو می‌شود برای آموزش موفقیت امیر نیروی خیال باید کار دهن را شاحت یونانیان قدیم می‌گفتند «خود را شناس!»

دهن سه بخش دارد نیمه‌هشیار، هشیار و هشیاری برتر دهن نیمه‌هشیار، چون بحار یا برق، قدرت مطلق است و بدون مسیر و جهت هر فرمایی به آن ندهد همان را احما می‌دهد، و توان فهم و استساط ندارد هر آنچه آدمی عمیقاً احساس یا به روشنی محسم کند بر دهن نیمه‌هشیار اثر می‌گذارد، و مو به مو در صحنه رنگی طاهر می‌شود ربی را می‌شناسم که در کودکی همیشه «وا نمود می‌کرد» که نیوه است

۱ Perfect-Self-expression (تعین کامل صمبر) یا تکامل انسان از «هولا» به سمای

۱ Perfect Pattern، مراد صورت مثالی با «مئل» افلاطون است - م

۲۰۲	چه انتظار دارید؟
۲۰۹	بازوی بلند خدا
۲۱۷	بر سر چند راهی
۲۲۵	از دریای سرخ خود چگونه می‌توان گذشت؟
۲۳۲	پاسبان دروازه
۲۴۰	راه فراوانی
۲۴۷	محتاج به هیچ چیز نخواهم بود!
۲۵۵	با اعجاب بنگر!
۲۶۴	غنیمت خود را دریابید!
۲۷۰	نهرهایی در هامون
۲۷۶	مفهوم باطنی سفیدبرفی و هفت کوتوله

۴: نفوذ کلام

۲۸۳	حربه‌هایی که تو نمی‌شناسی
۲۹۱	اینک شما را قوت می‌بخشم
۲۹۹	قوی باش و نترس!
۳۰۹	جلال خداوند
۳۱۷	آرامش و توانگری
۳۲۴	فرصت بزرگ شما
۳۳۳	زنهار مضطرب مشوید!
۳۴۳	بی‌باکی
۳۵۲	پیروزی و توفیق

۱۱۶	توانگری
۱۱۹	شادمانی
۱۲۳	عشق
۱۲۵	ازدواج
۱۲۷	بخشایش
۱۲۸	عبارات خردمندانه
۱۳۲	ایمان
۱۳۹	از دست دادن
۱۴۱	دین
۱۴۳	فروش
۱۴۵	مصاحبه‌ها
۱۴۶	هدایت
۱۴۸	حمایت
۱۴۹	حافظه
۱۵۰	طرح الهی
۱۵۴	سلامت
۱۶۱	عناصر
۱۶۳	سفر
۱۶۴	متفرقه
۱۷۳	نتیجه‌گیری

۳: در مخفی توفیق

۱۷۷	در مخفی توفیق
۱۸۴	خشتهای بی‌گاه
۱۹۳	و پنج تن از ایشان دانا بودند